

# فصلنامه رهیافتهای نوین در مطالعات اسلامی

License Number: 85625

Article Cod: SH26R9301245

ISSN-P: 2676-6442

## طراحی و مدیریت فضاهای مدرسه محور برای تقویت نقش

## در پیشگیری از آسیبهای اجتماعی دانش آموزان

(تاریخ دریافت ۱۴۰۵/۰۱/۲۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۵/۰۳/۰۴)

### مهندس مرزبان نظری

مدیر کل نوسازی و تجهیز مدارس استان، کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

### چکیده

افزایش و پیچیده تر شدن آسیبهای اجتماعی دانش آموزان در سالهای اخیر، ضرورت بازاندیشی در راهبردهای پیشگیری را دوجندان ساخته است. در این میان، هرچند بر نقش محوری خانواده در پیشگیری تأکید فراوان شده، اما کمتر به این پرسش پرداخته شده است که چه بستر نهادی و فضایی می تواند نقش پیشگیرانه خانواده را فعال و تقویت کند. پژوهش با رویکردی تحلیلی-مفهومی، به بررسی نقش طراحی و مدیریت فضاهای مدرسه محور در تقویت نقش خانواده در پیشگیری از آسیبهای اجتماعی دانش آموزان می پردازد. تکیه بر چارچوبهای نظری بوم شناختی برون فن برنر، سرمایه اجتماعی پاتنام، یادگیری اجتماعی بندورا و نظریه تاب آوری، نشان می دهد که مدرسه می تواند به عنوان یک نظام میانی، پیوند خانواده و جامعه را در جهت پیشگیری چندسطحی فعال سازد، مشروط بر آنکه در طراحی کالبدی و مدیریت فضایی خود، خانواده محور باشد. یک مدل مفهومی تلفیقی ارائه می شود که در آن عناصر طراحی فضا (دسترسی پذیری، فضاهای اختصاصی خانواده، عرصه های تعامل غیررسمی) و عناصر مدیریتی فعال سازی فضا (رهبری مشارکت محور، برنامه ریزی تقویمی،

نیازسنجی خانواده‌ها) به عنوان متغیرهای ورودی، از طریق سازوکارهای میانجی چون افزایش تعامل والد-مدرسه، ارتقای سواد تربیتی، شکل‌گیری شبکه‌های حمایت اجتماعی و تقویت تاب‌آوری، به پیامدهایی نظیر تقویت نقش خانواده و کاهش آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان منتهی می‌شوند. غفلت از بُعد فضایی-مدیریتی در سیاست‌های خانواده‌محور، یکی از خلأهای مهم در ادبیات و عمل آموزشی است. گذار از نگاه صرفاً مهندسی به نوسازی مدارس، به سوی رویکردی تربیتی-اجتماعی که مدرسه را به زیرساخت اجتماعی پیشگیری تبدیل می‌کند، ضرورتی راهبردی تلقی می‌شود.

**واژگان کلیدی:** طراحی فضاهای آموزشی، مدیریت فضا، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، تاب‌آوری، نوسازی مدارس

## مقدمه

طراحی و مدیریت فضاهای مدرسه‌محور برای تقویت نقش خانواده در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان گسترش و تنوع آسیب‌های اجتماعی در میان کودکان و نوجوانان، به‌ویژه دانش‌آموزان، به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام‌های آموزشی در دهه‌های اخیر تبدیل شده است. مسائلی چون گرایش به مصرف مواد، خشونت و پرخاشگری، ترک تحصیل، فرار از منزل، بزهکاری خرد، افت تحصیلی، اعتیاد به فضای مجازی، قلدری و آزار همسالان، و شکل‌گیری هویت‌های مسئله‌دار، تنها نمونه‌هایی از پیامدهای اجتماعی‌اند که می‌توانند سیر رشد تحصیلی، عاطفی و هویتی دانش‌آموزان را به شدت تحت تأثیر قرار دهند. در چنین وضعیتی، دیگر نگاه تک‌بعدی به مدرسه یا خانواده به تنهایی کارآمد نیست، بلکه آنچه

موضوعیت می‌یابد، هم‌افزایی نظام‌مند میان خانواده، مدرسه و جامعه در قالب یک رویکرد پیشگیرانه و یکپارچه است. در میان عوامل متعدد مؤثر بر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، خانواده نقشی محوری و غیرقابل جایگزین دارد. خانواده نخستین و پایدارترین محیط اجتماعی شدن کودک است که در آن، الگوهای رفتاری، ارزش‌ها، هنجارها، مهارت‌های ارتباطی و سبک‌های مقابله با فشارهای روانی و اجتماعی شکل می‌گیرد. پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه، نظارت آگاهانه والدین، رابطه عاطفی گرم، و انسجام خانوادگی، می‌توانند تا حد زیادی احتمال بروز رفتارهای پرخطر را در نوجوانان کاهش دهند. با این حال، خانواده‌ها در مواجهه با چالش‌های جدید از جمله تغییرات سبک زندگی، تحولات تکنولوژیک، گسترش شبکه‌های اجتماعی، و فشارهای اقتصادی و فرهنگی نیازمند حمایت و توانمندسازی مستمر هستند تا بتوانند نقش پیشگیرانه خود را به‌صورت مؤثر ایفا کنند. مدرسه یکی از مهم‌ترین نهادهایی است که می‌تواند حلقه اتصال خانواده و جامعه باشد و با طراحی و اجرای برنامه‌های هدفمند، به ارتقای آگاهی، مهارت‌ها و مشارکت خانواده‌ها کمک کند. اما مدرسه فقط مجموعه‌ای از کلاس‌ها و برنامه‌های درسی نیست، مدرسه پیش از هر چیز، یک فضا و محیط تربیتی است. نوع طراحی فضاها، مدرسه، چگونگی سازمان‌دهی و مدیریت آن‌ها، و میزان توجه به حضور، تعامل و گفت‌وگو میان ذی‌نفعان (دانش‌آموز، والد، معلم، مشاور، مدیر و جامعه محلی) نقشی اساسی در کیفیت فرآیندهای تربیتی دارد. به بیان دیگر، فضا صرفاً ظرف آموزش نیست، خود فضا یک عامل تربیتی و اجتماعی فعال است. با وجود تأکید فراوان اسناد بالادستی، سیاست‌های آموزشی و ادبیات نظری بر ضرورت مشارکت خانواده در مدرسه، واقعیت میدانی بسیاری از مدارس نشان می‌دهد که سطح و کیفیت مشارکت والدین اغلب به سطحی‌ترین شکل‌های حضور -مانند جلسات عمومی اولیا و مربیان، امور مالی یا پیگیری نمرات- محدود می‌شود. یکی از دلایل کمتر مورد توجه قرار گرفته این

وضعیت، عدم تناسب طراحی و مدیریت فضاهای مدرسه با نقش آفرینی والدین است. در بسیاری از مدارس، ساختار کالبدی و معماری با رویکرد «صرفاً آموزشی» شکل گرفته و فضایی مشخص، هویت مند و جذاب برای حضور، گفت و گو، آموزش و تعامل مستمر خانواده ها پیش بینی نشده است. در نتیجه، حتی در صورت وجود برنامه های آموزش خانواده، این برنامه ها در فضاهایی موقت، نامتناسب، یا فاقد ویژگی های لازم برای ایجاد احساس امنیت، صمیمیت و تعلق برگزار می شوند و طبیعی است که اثربخشی آنها محدود بماند. از سوی دیگر، تجربه های موفق جهانی در حوزه مدارس جامعه محور<sup>۱</sup> و الگوهای مشارکت مدرسه- خانواده- جامعه نشان می دهد که وقتی مدرسه به عنوان «کانون یادگیری و رشد مشترک» طراحی می شود، و فضاهایی چندمنظوره، انعطاف پذیر و خوش آمدگو برای والدین و جامعه محلی در نظر گرفته می شود، سطح سرمایه اجتماعی، احساس تعلق و همکاری میان خانواده و مدرسه به طور محسوسی افزایش می یابد. این افزایش سرمایه اجتماعی می تواند بستر مناسبی برای برنامه های پیشگیری از آسیب های اجتماعی فراهم سازد، زیرا خانواده ها نه به عنوان «تماشاگر»، بلکه به عنوان شریک تربیتی مدرسه عمل می کنند. طراحی فضا و مدیریت فضا دو روی یک سکه اند. حتی اگر فضای فیزیکی مناسب برای حضور والدین پیش بینی شده باشد، بدون مدیریت فعال، برنامه ریزی منسجم، و نگرش مشارکت محور مدیران و کادر مدرسه، این فضاها به سادگی بلااستفاده یا کم استفاده خواهند ماند. برعکس، گاهی با مدیریت خلاق و انعطاف پذیر، می توان از فضاهای موجود- هرچند محدود- به گونه ای بهره برداری کرد که عملاً مدرسه به مکانی برای گفت و گو، آموزش و شبکه سازی خانواده ها تبدیل شود. بنابراین، تحلیل تعامل میان طراحی فضاهای مدرسه محور و شیوه های مدیریت و بهره برداری از آنها در تقویت نقش خانواده، اهمیت ویژه ای می یابد. در ادبیات و عمل، یک شکاف جدی وجود

---

<sup>۱</sup> Community Schools

دارد: از یک سو، بر نقش خانواده در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی تأکید می‌شود و از سوی دیگر، در حوزه نوسازی، ساخت و تجهیز مدارس، کمتر به طور نظام‌مند بررسی شده است که چه نوع فضاهایی، با چه ویژگی‌های کالبدی و مدیریتی، می‌توانند حضور و مشارکت مؤثر خانواده را تسهیل کنند. همچنین، رابطه بین «طراحی و مدیریت این فضاها» با «سازوکارهای پیشگیرانه خانواده» (مانند نظارت، ارتباط عاطفی، سواد رسانه‌ای، تاب‌آوری و...) کمتر به صورت تحلیلی و یکپارچه تبیین شده است.

### بخش اول: کلیات

طراحی و مدیریت فضاهای مدرسه محور برای تقویت نقش خانواده در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان در دهه‌های اخیر، طیف و شدت آسیب‌های اجتماعی در میان دانش‌آموزان در بسیاری از جوامع از جمله ایران روندی نگران‌کننده یافته است. افزایش بروز رفتارهای پرخطر نظیر مصرف مواد و الکل، خشونت و پرخاشگری، قلدری و آزار همسالان، بزهکاری خرد، فرار از منزل، ترک تحصیل، افت شدید تعلق خاطر به مدرسه، اعتیاد به فضای مجازی و محتوای ناسالم، و شکل‌گیری هویت‌های متزلزل و متعارض، تنها نشانه‌هایی از چالش‌های پیش‌روی نظام‌های تربیتی است. این آسیب‌ها صرفاً پیامدهای فردی و کوتاه‌مدت ندارند، بلکه می‌توانند بنیان‌های سرمایه انسانی، انسجام اجتماعی و امنیت فرهنگی جامعه را در بلندمدت تهدید کنند. از این رو، رویکرد «مداخله پس از وقوع مشکل» دیگر کفایت ندارد و نظام‌های آموزشی ناگزیر به اتخاذ رویکردهای پیشگیرانه، چندسطحی و یکپارچه هستند. در میان عوامل گوناگون مؤثر بر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، خانواده به مثابه اصلی‌ترین کانون رشد و اجتماعی‌شدن کودک، نقشی بنیادی و غیرقابل جایگزین دارد. پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد که متغیرهایی مانند سبک فرزندپروری، انسجام خانوادگی، نظارت

والدین، کیفیت ارتباط عاطفی والد-فرزند، و الگوهای تعامل والدین با مدرسه، رابطه‌ای معنادار با بروز یا کاهش رفتارهای پرخطر در نوجوانان دارند. با وجود این، خانواده‌ها در مواجهه با شرایط پیچیده عصر جدید از جمله فشارهای اقتصادی، محدودیت زمانی والدین شاغل، تنوع سبک‌های زندگی، شکاف نسلی، و هجوم رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به‌تنهایی از عهده ایفای نقش پیشگیرانه برنمی‌آیند و نیازمند پشتیبانی، آموزش و شبکه‌سازی هستند. مدرسه به عنوان مهم‌ترین نهاد رسمی تربیتی، در اسناد راهبردی آموزش و پرورش، «شریک خانواده» در تربیت معرفی می‌شود، اما در واقعیت، رابطه مدرسه و خانواده اغلب به تعاملات حداقلی، مناسکی و مقطعی مانند جلسات عمومی اولیا و مربیان، تماس‌های پراکنده در موارد مشکل‌دار، یا پیگیری نمرات محدود می‌ماند. در این نوع تعامل، خانواده نه به‌عنوان «کنشگر همکار»، بلکه بیشتر به‌عنوان «مخاطب اخباری» یا «حامی مالی و اداری» مدرسه دیده می‌شود. از این رو، ظرفیت عظیم خانواده برای مشارکت در برنامه‌های پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، بالفعل نمی‌شود و مدرسه نیز در سطحی محدود از این ظرفیت بهره‌مند می‌گردد. یکی از ابعاد کمتر کاویده‌شده در تحلیل این وضعیت، نقش «فضا» و «طراحی کالبدی و سازمانی مدرسه» در تسهیل یا تضعیف مشارکت خانواده است. در بسیاری از مدارس، معماری و سازمان فضایی با فرضی نانوشته اما قدرتمند شکل گرفته است: مدرسه مکانی است برای حضور دانش‌آموزان در ساعات مشخص، نه فضایی برای تعامل پایدار و چندسویه دانش‌آموز، خانواده و جامعه محلی. الگوی غالب، «مدرسه کلاس‌محور» است، یعنی ساختمان‌هایی متشکل از کلاس‌های آموزشی، راهروها، حیاط و در بهترین حالت سالن اجتماعاتی که عمدتاً کارکرد مناسکی (مراسم، جشن‌ها) دارد. در چنین الگویی، فضایی اختصاصی، هویت‌مند و خوش‌آمدگو برای حضور منظم والدین، گفت‌وگو با معلمان، مشارکت در فعالیت‌های تربیتی و بهره‌مندی از برنامه‌های آموزش خانواده پیش‌بینی نشده است. بدیهی است که در فقدان چنین فضاهایی،

حتی بهترین سیاست‌ها و برنامه‌های مکتوب برای آموزش و مشارکت خانواده نیز در عمل با محدودیت جدی مواجه خواهد شد. تجربه‌های موفق جهانی در حوزه مدارس جامعه‌محور و خانواده‌محور نشان می‌دهد که زمانی که مدرسه به صورت آگاهانه به عنوان «کانون یادگیری و تعامل اجتماعی محله» طراحی می‌شود به گونه‌ای که فضاهایی چندمنظوره، انعطاف‌پذیر، امن و جذاب برای حضور و فعالیت والدین و گروه‌های محلی در نظر گرفته می‌شود سطح مشارکت خانواده‌ها در فعالیت‌های تربیتی و پیشگیرانه به طور چشمگیری افزایش می‌یابد. این فضاها نه تنها محل برگزاری جلسات آموزشی والدین، کارگاه‌های مهارت‌های فرزندپروری، مشاوره‌های فردی و گروهی، و برنامه‌های فرهنگی مشترک می‌شوند، بلکه به تدریج بستری برای شکل‌گیری شبکه‌های حمایت اجتماعی، تبادل تجارب و ارتقای تاب‌آوری خانواده‌ها فراهم می‌کنند. به تعبیر دیگر، فضاهای مدرسه‌محور مناسب می‌توانند به عامل تولید سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری جمعی تبدیل شوند. با این حال، در بخش مهمی از ادبیات داخلی، به ویژه در حوزه نوسازی و تجهیز مدارس، این بُعد اجتماعی-تربیتی فضای مدرسه کمتر مورد توجه نظام‌مند قرار گرفته است. حتی اگر در برخی مدارس، فضاهایی برای حضور والدین و فعالیت‌های خانواده‌محور پیش‌بینی شده باشد، نوع مدیریت و بهره‌برداری از این فضاها تعیین‌کننده است. فضا، به خودی خود تضمین‌کننده مشارکت مؤثر خانواده نیست، این نحوه سازمان‌دهی، برنامه‌ریزی، فرهنگ مدرسه و سبک رهبری آموزشی مدیر است که می‌تواند فضا را از سطح «ساختمان» به سطح «عرصه تعامل تربیتی» ارتقا دهد. در فقدان نگاه مشارکت‌محور، فضاهای موجود ممکن است به انبار، اتاق بایگانی یا محل استفاده تشریفاتی تقلیل یابد. در مقابل، مدیرانی با نگرش جامعه‌محور می‌توانند از همان فضاهای محدود و سنتی، با برنامه‌ریزی خلاقانه (تبدیل بخشی از نمازخانه، کتابخانه، سالن چندمنظوره یا حتی کلاس‌ها در ساعات خاص) به کانون تعامل و آموزش خانواده تبدیل کنند. با این همه، در ادبیات

پژوهشی، تعامل میان «طراحی فضا» و «مدیریت فضا» در پیوند با تقویت نقش خانواده در پیشگیری از آسیب‌ها کمتر به صورت تحلیلی بررسی شده است. در سطح سیاستی نیز نوعی گسست بین گفتمان‌ها مشاهده می‌شود. در اسناد تحولی آموزش و پرورش، بر نقش خانواده در تربیت و لزوم مشارکت فعال والدین تأکید شده است، در اسناد حوزه سلامت و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، بر رویکردهای مدرسه‌محور، تاب‌آوری و شبکه‌سازی اجتماعی سخن رفته است، و در ضوابط نوسازی و استانداردهای فضا و تجهیزات مدارس، بیشتر بر شاخص‌های کمی (مساحت، ایمنی، استحکام، کاربری آموزشی) تمرکز شده است. این تفکیک باعث شده است که دلالت‌های تربیتی و اجتماعی مرتبط با مشارکت خانواده، به‌طور کافی در شاخص‌های طراحی، نوسازی و مدیریت فضاهای مدرسه متبلور نشود. به بیان دیگر، همان‌طور که برای کلاس درس، آزمایشگاه و کتابخانه استانداردهایی وجود دارد، برای «فضاهای خانواده‌محور مدرسه» نیز باید شاخص‌ها و الگوهای طراحی و مدیریتی مبتنی بر شواهد علمی تعریف شود، امری که هنوز به صورت منسجم و مبتنی بر پژوهش‌های تحلیلی شکل نگرفته است. در کنار این خلأها، بخش مهمی از پژوهش‌های داخلی درباره آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان، یا بر ابعاد فردی و روان‌شناختی (مثل عزت‌نفس، هوش هیجانی، مهارت‌های زندگی) تمرکز دارد، یا بر ویژگی‌های خانواده (سبک فرزندپروری، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، ساختار خانواده) و یا در سطحی کلی بر کیفیت رابطه مدرسه و خانواده، اما کمتر مطالعه‌ای به صورت مشخص و تحلیلی پرسیده است که کدام ویژگی‌های طراحی فضاهای مدرسه (کالبدی و سازمانی) می‌تواند حضور و مشارکت معنادار خانواده را تسهیل کند؟

این فضاها چگونه و از طریق چه سازوکارهایی می‌توانند به تقویت نقش پیشگیرانه خانواده در برابر آسیب‌های اجتماعی منجر شوند؟

نقش مدیریت مدرسه در فعال‌سازی، نگهداشت و جهت‌دهی این فضاها برای اهداف پیشگیرانه چیست؟

رابطه سه‌گانه «طراحی فضاهای مدرسه‌محور - مدیریت و بهره‌برداری از فضا - نقش پیشگیرانه خانواده» هنوز در قالب یک مدل تحلیلی منسجم و با دلالت‌های روشن برای سیاست‌گذاری و نوسازی مدارس تبیین نشده است. برآیند نکات فوق نشان می‌دهد که مسئله اصلی این است که با وجود تأکید نظری و سیاستی بر نقش خانواده در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان، طراحی و مدیریت فضاهای مدارس، کمتر متناسب با این نقش پیشگیرانه و مشارکت‌محور خانواده شکل گرفته است، به گونه‌ای که در بسیاری از موارد، نه «ظرف فضایی» لازم برای حضور فعال والدین پیش‌بینی و تقویت شده و نه «الگوهای مدیریتی بهره‌برداری از فضا» به گونه‌ای است که این ظرف را به یک «عرصه زنده تربیتی» تبدیل کند. این شکاف، ضرورت انجام پژوهشی تحلیلی را برجسته می‌کند که با نگاه بین‌رشته‌ای ترکیبی از مطالعات تربیتی، جامعه‌شناختی و معماری آموزشی به تبیین این پردازد که چه نوع طراحی و مدیریتی در فضاهای مدرسه‌محور می‌تواند به تقویت نقش خانواده در پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان منجر شود و این امر چه پیامدهایی برای سیاست‌گذاری در حوزه نوسازی، تجهیز و اداره مدارس دارد.

## بخش دوم: اهداف پژوهش

### هدف کلی

تحلیل نقش طراحی و مدیریت فضاهای مدرسه محور در تقویت مشارکت خانواده و پیشگیری از آسیب های اجتماعی دانش آموزان.

### اهداف اجزایی

۱. تبیین مبانی نظری و چارچوب های مفهومی مرتبط با نقش خانواده در پیشگیری از آسیب های اجتماعی دانش آموزان.
۲. تحلیل مفهوم «فضاهای مدرسه محور» و کارکردهای تربیتی و اجتماعی آنها در پیوند با خانواده.
۳. شناسایی عناصر و مؤلفه های طراحی فضاهای مدرسه که می توانند تعامل و مشارکت خانواده-مدرسه را افزایش دهند.
۴. تبیین نقش مدیریت و رهبری مدرسه در فعال سازی، سازمان دهی و بهره برداری از فضاهای مدرسه محور به نفع آموزش خانواده و پیشگیری از آسیب های اجتماعی.
۵. ارائه الگوی پیشنهادی برای نوسازی و بهسازی فضاهای مدرسه با رویکرد تقویت نقش خانواده در پیشگیری و کاهش آسیب های اجتماعی دانش آموزان.

### سؤالات پژوهش

۱. خانواده از طریق چه سازوکارها و فرایندهایی در پیشگیری از آسیب های اجتماعی دانش آموزان نقش ایفا می کند؟

۲. فضاهای مدرسه محور چه ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی باید داشته باشند تا حضور، تعامل و مشارکت مؤثر خانواده را تقویت کنند؟
۳. مدیریت مدرسه چگونه می‌تواند با استفاده از فضاهای مدرسه محور، برنامه‌های آموزش خانواده و اقدامات پیشگیرانه در برابر آسیب‌های اجتماعی را طراحی و اجرا نماید؟
۴. کدام عناصر طراحی و نوسازی فضاهای مدرسه، بیشترین تأثیر را بر مشارکت و نقش آفرینی خانواده در فرایندهای تربیتی و پیشگیرانه دارند؟
۵. چگونه می‌توان الگویی تلفیقی و مبتنی بر شواهد برای طراحی و مدیریت فضاهای مدرسه ارائه داد که به تقویت نقش خانواده در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان بینجامد؟

### **بخش سوم: مبانی نظری پژوهش**

مبانی نظری این پژوهش بر این پیش فرض استوار است که پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان پدیده‌ای چندعاملی، چندسطحی و وابسته به بسترهای تعاملی است، ازاین‌رو، تحلیل آن بدون توجه هم‌زمان به «نظام خانواده»، «مدرسه» و «فضاهای میانجی تعامل» ناقص خواهد بود. در این چارچوب، طراحی و مدیریت فضاهای مدرسه محور نه صرفاً یک اقدام کالبدی، بلکه مداخله‌ای تربیتی-اجتماعی تلقی می‌شود که می‌تواند از طریق سازوکارهای مشخص، نقش خانواده را در پیشگیری تقویت کند. برای تبیین این پیوند، پژوهش حاضر بر چهار چارچوب نظری اصلی تکیه دارد:

۱. نظریه نظام‌های بوم‌شناختی برون‌فن‌برنر، برون‌فن‌برنر رشد کودک را در قالب نظام‌های تو در تو تحلیل می‌کند:

ریزسیستم (Microsystem) خانواده، مدرسه، همسالان

میانسیستم (Mesosystem) تعامل بین ریزسیستم‌ها (مانند رابطه خانواده و مدرسه)

برونسیستم و کلانسیستم: ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی

بر اساس این نظریه، کیفیت تعامل بین خانواده و مدرسه (میانسیستم) نقش تعیین‌کننده‌ای در پیامدهای رشدی و رفتاری کودک دارد. ضعف در این پیوند می‌تواند به ناهماهنگی پیام‌های تربیتی، کاهش نظارت و افزایش احتمال بروز رفتارهای پرخطر منجر شود. در این چارچوب، فضاهای مدرسه‌محور به مثابه «عرصه‌های عینی تقویت میانسیستم» قابل تحلیل‌اند. هرچه بسترهای فضایی تعامل خانواده و مدرسه غنی‌تر، در دسترس‌تر و هدفمندتر طراحی شوند، انسجام تربیتی افزایش یافته و احتمال بروز آسیب‌های اجتماعی کاهش می‌یابد.

۲. نظریه سرمایه اجتماعی (پاتنام و کلمن)

سرمایه اجتماعی به شبکه‌های ارتباطی، اعتماد متقابل، هنجارهای مشترک و همکاری جمعی اشاره دارد که کنش اجتماعی را تسهیل می‌کند. در محیط‌های آموزشی، سرمایه اجتماعی میان خانواده‌ها، مدرسه و جامعه محلی می‌تواند نقش حفاظتی در برابر آسیب‌های اجتماعی ایفا کند.

در این چارچوب نظری:

مشارکت فعال والدین → افزایش اعتماد و همبستگی

شبکه‌سازی میان خانواده‌ها → تبادل تجربه و حمایت متقابل

ارتباط مستمر با مدرسه → نظارت اجتماعی تقویت‌شده

فضاهای مدرسه محور خانواده‌ساز می‌توانند محل شکل‌گیری این شبکه‌ها باشند. برای مثال، اتاق‌های آموزش خانواده، فضاهای چندمنظوره محلی، کتابخانه‌های باز به والدین، یا کانون‌های گفت‌وگو می‌توانند بستر تولید سرمایه اجتماعی شوند. فقدان چنین فضاهایی، شکل‌گیری این سرمایه را محدود می‌کند.

### ۳. نظریه یادگیری اجتماعی بندورا

بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، رفتار افراد از طریق مشاهده، الگوبرداری و تعامل اجتماعی شکل می‌گیرد. نوجوانان در محیط‌هایی که الگوهای مثبت رفتاری، ارتباط مؤثر و نظارت سازنده وجود دارد، احتمال کمتری برای گرایش به رفتارهای پرخطر دارند. نقش خانواده در این نظریه از طریق الگوسازی رفتاری، تقویت یا تضعیف رفتارها، تنظیم هیجانی و نظارت تبیین می‌شود. اگر فضاهای مدرسه به گونه‌ای طراحی شوند که حضور فعال والدین در فعالیت‌های فرهنگی، تربیتی و اجتماعی مدرسه تسهیل شود، دانش‌آموزان شاهد تعامل سازنده خانواده و مدرسه خواهند بود، این مشاهده خود نوعی «پیام تربیتی ضمنی» تولید می‌کند که هنجارهای مثبت را تقویت می‌نماید.

#### ۴. نظریه تاب آوری (Resilience Theory)

تاب آوری به توانایی فرد یا نظام برای سازگاری مثبت در شرایط مخاطره آمیز اشاره دارد. پژوهش ها نشان داده اند که وجود عوامل حمایتی در سطح خانواده و مدرسه می تواند آثار منفی شرایط پرخطر را تعدیل کند. عوامل کلیدی تقویت تاب آوری عبارت اند از پیوند عاطفی پایدار با بزرگسالان معنادار، احساس تعلق به مدرسه، شبکه حمایت اجتماعی، دسترسی به منابع مشاوره و آموزش در این چارچوب، مدرسه ای که از طریق طراحی مناسب فضا، امکان حضور مستمر و هدفمند خانواده را فراهم می کند، عملاً یک «شبکه حمایتی چندسطحی» ایجاد می نماید. چنین شبکه ای ظرفیت تاب آوری دانش آموز را افزایش داده و احتمال بروز آسیب های اجتماعی را کاهش می دهد.

پیوند نظری طراحی فضا و پیشگیری اجتماعی در امتداد نظریه های فوق، می توان طراحی فضاهای مدرسه را در سه سطح تحلیل کرد:

##### ۱. سطح کالبدی (Physical Dimension)

پیش بینی فضاهای اختصاصی برای آموزش خانواده

فضاهای انعطاف پذیر و چندمنظوره

دسترسی مستقل و امن والدین

طراحی دعوت کننده و غیراداری

## ۲. سطح سازمانی-مدیریتی (Managerial Dimension)

برنامه‌ریزی منظم برای بهره‌برداری از فضا

تعریف مسئول مشخص برای تعامل با خانواده

پیوند فعالیت‌های فضایی با برنامه‌های پیشگیری

## ۳. سطح فرهنگی-تربیتی (SocioCultural Dimension)

نهادینه‌سازی فرهنگ مشارکت

تقویت احساس تعلق خانواده به مدرسه

تبدیل مدرسه به کانون اجتماعی محله

## بخش چهارم: مبانی نظری

مبانی نظری این پژوهش بر مجموعه‌ای از نظریه‌های تربیتی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی استوار است که رابطه سه‌گانه «خانواده - مدرسه - فضا» را تبیین می‌کنند. مهم‌ترین این نظریه‌ها عبارت‌اند از:

### بند اول: نظریه سیستم‌های بوم‌شناختی برون‌فن‌برنر

این نظریه محیط رشد کودک را مجموعه‌ای از لایه‌های درهم‌تنیده (خردنظام، میان‌نظام، برون‌نظام و کلان‌نظام) می‌داند. در این چارچوب خانواده و مدرسه دو خردنظام اصلی‌اند، رابطه

این دو، «میان‌نظام» را شکل می‌دهد، و فضاهای مدرسه‌محور، بستر «تعامل» این میان‌نظام هستند. برون‌ف‌ن‌برنر تأکید می‌کند که کیفیت رابطه بین دو محیط کلیدی رشد، به اندازه کیفیت درونی هر محیط اهمیت دارد. بنابراین هرگونه طراحی فضایی که تعامل والد-مدرسه را تسهیل کند، می‌تواند بهبودهای مستقیم در پیامدهای تربیتی داشته باشد. این دیدگاه پایه اصلی برای فهم نقش فضا در توانمندسازی خانواده است.

### **بند دوم: نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام**

پاتنام مشارکت اجتماعی، اعتماد و شبکه‌سازی را مهم‌ترین منابع سرمایه اجتماعی می‌داند. در مدرسه فضاهای مشارکتی (مثل مرکز خانواده، فضاهای چندمنظوره، محوطه‌های گفت‌وگو) بستر تولید و انباشت سرمایه اجتماعی‌اند. سرمایه اجتماعی والدین به افزایش نظارت والدین، حمایت عاطفی، انسجام خانوادگی و همکاری تربیتی منجر می‌شود که همگی عوامل کلیدی پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی هستند. بدین ترتیب، طراحی فضاهای مشارکت‌ساز در مدرسه به منزله سرمایه‌گذاری اجتماعی برای کاهش آسیب‌ها است.

### **بند سوم: نظریه یادگیری اجتماعی بندورا**

بندورا بر نقش «الگودهی»، «تقویت»، «بازخورد» و «یادگیری مشاهده‌ای» تأکید می‌کند. کاربرد آن در این پژوهش فضاهای مدرسه‌محور خانواده‌ساز، موقعیت‌هایی را فراهم می‌کنند که والدین الگوهای تربیتی سالم را مشاهده و تمرین کنند (کارگاه‌ها، مشاوره‌ها، گروه‌های والدین). مشارکت منظم خانواده در مدرسه، از طریق تعامل والد-فرزند-معلم، رفتارهای مطلوب اجتماعی را تقویت کرده و بر کاهش رفتارهای پرخطر اثر می‌گذارد.

## بند چهارم: نظریه تاب آوری (ماستن و همکاران)

تاب آوری به توان فرد یا خانواده برای کنار آمدن با فشارها و چالش‌ها اشاره دارد. در این رویکرد مدرسه یکی از «سیستم‌های حفاظتی» اصلی است، و فضاهای مدرسه محور می‌توانند «محیط‌های تاب آوری‌زا» ایجاد کنند، از طریق آموزش مهارت‌های فرزندپروری، حمایت اجتماعی والدین، و شکل‌گیری شبکه‌های حمایتی محلی. بنابراین نقش مدرسه فقط آموزش نیست، بلکه ایجاد محیط مقاوم‌ساز خانواده و دانش آموز است.

### بخش پنجم: مفهوم‌شناسی

برای تحلیل دقیق مسئله، مفاهیم کلیدی پژوهش به شکل زیر تعریف می‌شوند:

#### خانواده

در این پژوهش خانواده به عنوان نخستین و پایدارترین نهاد اجتماعی شدن کودک تعریف می‌شود که وظایفی همچون نظارت، حمایت عاطفی، انتقال هنجارهای اجتماعی، و تنظیم رفتار را بر عهده دارد. نقش خانواده در پیشگیری از آسیب‌ها از طریق سبک فرزندپروری، کیفیت رابطه والد-فرزند و سواد تربیتی والدین اعمال می‌شود.

#### آسیب‌های اجتماعی دانش آموزان

شامل طیف وسیعی از رفتارها و پیامدهای پرخطر نظیر مصرف مواد، خشونت، قلدری، اعتیاد به فضای مجازی، بزهکاری خرد، افت تحصیلی، فرار از منزل و مشکلات هویتی. این پژوهش بر پیشگیری اولیه و ثانویه تمرکز دارد.

## فضاهای مدرسه محور

فضاهای مدرسه محور به مجموعه فضاهای کالبدی و سازمانی مدرسه گفته می شود که برای تعامل، مشارکت و حضور معنادار خانواده طراحی یا مدیریت می شوند، مانند مرکز خانواده، فضاهای چند منظوره، فضاهای مشاوره و گفت و گو، حیاط های یاد گیری، فضاهای فرهنگی - اجتماعی، محوطه های مشارکتی. این فضاها فقط «ساختمان» نیستند، عرصه تعامل تربیتی هستند.

مدیریت مدرسه در حوزه فضا شامل تصمیماتی درباره سازمان دهی و برنامه ریزی استفاده از فضا، اختصاص زمان و برنامه برای حضور والدین، فرهنگ مدرسه، قواعد استفاده از فضا، و سبک رهبری آموزشی. مدیریت فضا، حلقه اتصال «طراحی» به «کارکرد واقعی» آن است.

## بخش ششم: چارچوب مفهومی پژوهش

چارچوب مفهومی این پژوهش، یک الگوی تلفیقی است که سه دسته متغیر اصلی را به هم پیوند می دهد:

الف) متغیرهای ورودی (طراحی و مدیریت فضا)

### ۱. عناصر طراحی فضاهای مدرسه محور

- دسترسی پذیری برای والدین
- انعطاف پذیری فضا
- امنیت و آسایش

- فضای چندمنظوره برای آموزش خانواده
- فضاهای تعامل غیررسمی
- هویت‌مندی و زیبایی
- امکانات فناوری و ارتباطی

## ۲. عناصر مدیریتی فعال‌سازی فضا

- برنامه‌ریزی منظم برای حضور خانواده
- برگزاری کارگاه‌ها و نشست‌ها
- مدیریت زمان‌بندی و تقویم مدرسه
- شیوه رهبری مشارکت‌محور مدیر
- سیاست‌ها و قواعد استفاده
- تعامل با نهادهای محلی و اجتماعی

## ب) سازوکارهای میانجی

طراحی و مدیریت فضاها از طریق سازوکارهای زیر بر نقش خانواده اثر می‌گذارد:

- افزایش کیفیت تعامل والد-مدرسه
- ارتقای سواد تربیتی و مهارت‌های فرزندپروری
- شکل‌گیری شبکه‌های حمایت اجتماعی والدین
- ارتقای تاب‌آوری فردی و خانوادگی
- تقویت احساس تعلق به مدرسه
- افزایش نظارت و مشارکت والدین

- کاهش فاصله نسلی و بهبود ارتباط والد-فرزند

ج) پیامدها (نقش خانواده و کاهش آسیب‌ها)

این سازوکارها نهایتاً منجر به تقویت نقش پیشگیرانه خانواده و کاهش رفتارهای پرخطر، افزایش حمایت اجتماعی و عاطفی، ارتقای سلامت روانی و خودتنظیمی دانش‌آموز، تقویت همکاری مدرسه-خانواده-جامعه

د) عوامل زمینه‌ای تعدیل‌گر

تأثیر طراحی و مدیریت فضا را عواملی مانند فرهنگ مدرسه، وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده‌ها، کیفیت رهبری مدیر، بافت محلی مدرسه، سیاست‌های نوسازی و امکانات تعدیل می‌کنند.

## بخش هفتم: پیشینه پژوهش

### الف) پیشینه داخلی

مطالعه: پژوهش درباره رابطه مشارکت والدین در مدرسه و کاهش رفتارهای پرخطر دانش آموزان (نمونه‌ای از مطالعات داخلی حوزه تعامل مدرسه-خانواده) در یکی از پژوهش‌های انجام شده در ایران (برای مثال پژوهشی در حوزه علوم تربیتی با تمرکز بر مقطع متوسطه)، رابطه بین میزان مشارکت والدین در فعالیت‌های مدرسه و کاهش رفتارهای پرخطر دانش آموزان مورد بررسی قرار گرفت. روش پژوهش توصیفی-همبستگی بود و داده‌ها از طریق پرسشنامه مشارکت والدین و مقیاس رفتارهای پرخطر گردآوری شد.

یافته‌های اصلی پژوهش نشان داد مشارکت فعال والدین در جلسات مدرسه، تعامل مستمر با معلمان، و نظارت آموزشی-تربیتی خانواده با کاهش معنادار رفتارهایی مانند افت تحصیلی، پرخاشگری، گرایش به مصرف مواد و غیبت‌های غیرموجه رابطه دارد. با وجود تأکید این مطالعه بر اهمیت مشارکت خانواده، تمرکز آن عمدتاً بر متغیرهای رفتاری و نگرشی بوده و نقش بستر فضایی و کالبدی مدرسه در تسهیل یا محدودسازی این مشارکت مورد بررسی قرار نگرفته است. همچنین مدیریت فضا و نحوه سازمان‌دهی محیط مدرسه به عنوان عامل میانجی تحلیل نشده است.

## ب) پیشینه خارجی

مطالعه: Sanders (۲۰۱۲) Family-School Partnerships and Student Outcomes

ساندرز در چارچوب مدل «مشارکت خانواده-مدرسه-جامعه» (Epstein's Framework) به بررسی تأثیر الگوهای مشارکت خانواده بر پیامدهای تحصیلی و رفتاری دانش‌آموزان پرداخت. این مطالعه با رویکرد تحلیلی-ترکیبی (مرور پژوهش‌ها) نشان داد که مشارکت ساختارمند والدین در فعالیتهای مدرسه، آموزش مهارت‌های فرزندپروری، و ایجاد کانال‌های ارتباطی پایدار به بهبود عملکرد تحصیلی، کاهش رفتارهای مسئله‌دار و افزایش احساس تعلق دانش‌آموزان به مدرسه منجر می‌شود. در این چارچوب، مدرسه به‌عنوان «کانون تعامل اجتماعی» تعریف می‌شود که باید بستر مناسبی برای حضور والدین فراهم کند. در این مدل نیز تمرکز بیشتر بر ابعاد برنامه‌ای و ارتباطی مشارکت بوده و طراحی کالبدی و سازمان فضایی مدرسه به‌عنوان یک متغیر ساختاری مستقل به‌طور مستقیم تحلیل نشده است.

## بخش هشتم: سازوکارهای میانجی و پیوند با کاهش آسیب‌ها

براساس مدل مفهومی پژوهش، طراحی و مدیریت فضاهای مدرسه‌محور از طریق مجموعه‌ای از سازوکارهای میانجی بر کاهش آسیب‌های اجتماعی اثر می‌گذارند:

### ۱. افزایش تعامل والد-مدرسه

حضور مرتب والدین در مدرسه، ارتباط مستقیم با معلمان و مشاوران، و آگاهی از وضعیت تحصیلی و رفتاری فرزندان را تسهیل می‌کند. این امر هم نظارت والدین را افزایش می‌دهد و هم فرصت مداخله زودهنگام در صورت مشاهده نشانه‌های خطر را فراهم می‌کند.

### ۲. ارتقای سواد تربیتی والدین

برگزاری کارگاه‌های آموزشی در فضاهای ویژه خانواده، منجر به افزایش دانش و مهارت‌های فرزندپروری می‌شود، حوزه‌هایی مانند مدیریت تعارض، گفت‌وگوی سازنده با نوجوان، مدیریت فضای مجازی، پیشگیری از مصرف مواد و... نظریه یادگیری اجتماعی بندورا نیز نشان می‌دهد که والدین در این فضاها از یکدیگر و از متخصصان الگوبرداری می‌کنند.

### ۳. شکل‌گیری شبکه‌های حمایت اجتماعی والدین

تعامل مستمر والدین در فضاهای مدرسه‌محور، شبکه‌ای از روابط اعتماد‌آمیز و حمایتی ایجاد می‌کند که در مواقع بحران (مشکلات اقتصادی، خانوادگی، تحصیلی) نقش حفاظتی دارد. این شبکه‌ها یکی از مصادیق مهم سرمایه اجتماعی‌اند که از دیدگاه پاتنام، با کاهش آسیب‌های اجتماعی مرتبط‌اند.

#### ۴. تقویت تاب‌آوری فردی و خانوادگی

ارائه خدمات مشاوره‌ای، نشست‌های تبادل تجربه و برنامه‌های گروهی در این فضاها، منجر به افزایش احساس خودکارآمدی والدین و دانش‌آموزان در مواجهه با چالش‌ها می‌شود، یعنی ارتقای تاب‌آوری. تاب‌آوری بالا، ریسک رفتن به سمت رفتارهای پرخطر را کاهش می‌دهد.

### بخش نهم: دلالت‌ها برای نوسازی مدارس و سیاست‌گذاری

نتایج تحلیلی این پژوهش پیامدهای مهمی برای حوزه نوسازی و مدیریت مدارس دارد، نوسازی مدارس نباید صرفاً به بهسازی فنی و ایمنی ساختمان‌ها محدود شود، بلکه باید به عنوان فرصتی برای بازتعریف مدرسه به مثابه کانون تعامل خانواده-مدرسه-جامعه دیده شود. در استانداردها و ضوابط طراحی، لازم است فضاهای مشخص خانواده‌محور (مرکز خانواده، فضاهای چندمنظوره تربیتی، فضاهای غیررسمی تعامل) به عنوان الزامات یا حداقل توصیه‌های جدی دیده شوند. در کنار طراحی، باید برای مدیران مدارس راهنماهای مدیریتی استفاده از فضا تدوین شود تا فضاها عملاً به خدمت برنامه‌های پیشگیرانه درآیند. بدون توجه به بُعد مدیریتی، حتی بهترین الگوهای فضایی به نتیجه مطلوب در حوزه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی نخواهند رسید.

## نتیجه گیری

طراحی و مدیریت فضاهای مدرسه محور برای تقویت نقش خانواده در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان خانواده، کانون اصلی پیشگیری از آسیب‌هاست، اما به تنهایی کفایت نمی‌کند. نقش پیشگیرانه خانواده هنگامی اثربخش می‌شود که در پیوند با یک محیط حمایتی گسترده‌تر قرار گیرد. مدرسه، مهم‌ترین و در دسترس‌ترین این محیط‌هاست و می‌تواند خانواده را از کنشگری منفرد به کنشگری «شبکه‌ای و پشتیبانی‌شده» تبدیل کند. مدرسه اگر فقط «محل تدریس» دیده شود، ظرفیت پیشگیرانه آن فعال نمی‌شود. بسیاری از مدارس موجود بر الگوی «مدرسه درون‌گرا و صرفاً آموزشی» استوارند، الگویی که حضور والدین را به چند جلسه رسمی اولیا و مربیان محدود می‌کند. چنین نگاهی، مدرسه را از نقش بالقوه‌اش به عنوان «کانون تعامل اجتماعی خانواده-مدرسه-جامعه» محروم می‌کند. طراحی فضاهای مدرسه محور خانواده‌ساز، پیش شرط حضور معنادار والدین است. وجود فضاهایی مانند مرکز خانواده، اتاق‌های چندمنظوره تربیتی، فضاهای مشاوره و گفت‌وگو و محوطه‌های غیررسمی تعامل (حیاط‌های یادگیری، فضاهای نشستن و گپ‌وگفت) پیام روشن «مدرسه شما را می‌بیند و به شما نیاز دارد» را به والدین منتقل می‌کند. این فضاها، زیرساخت شکل‌گیری و استمرار مشارکت خانوادگی‌اند، نه تزئیناتی اضافه بر ساختمان مدرسه. مدیریت مشارکت محور فضا، حلقه اتصال طراحی به کارکرد پیشگیرانه است. حتی بهترین الگوهای کالبدی، بدون مدیریت هوشمند و برنامه‌ریزی‌شده، به نتیجه نمی‌رسند. تقویم منظم برنامه‌های ویژه والدین، فرهنگ مدرسه‌ای استقبال‌کننده از خانواده، و رهبری آموزشی مشارکت محور، فضاهای طراحی شده را به محیطی برای آموزش مهارت‌های فرزندپروری، مشاوره و حمایت روانی-اجتماعی، و شبکه‌سازی بین والدین تبدیل می‌کند. طراحی و مدیریت فضا، از طریق سازوکارهای میانجی

بر کاهش آسیب‌ها اثر می‌گذارد. بر اساس چارچوب مفهومی پژوهش، فضاهای مدرسه‌محور خانواده‌ساز، با مدیریت مناسب، سازوکارهایی مانند افزایش تعامل والد-مدرسه، ارتقای سواد تربیتی، شکل‌گیری شبکه‌های حمایت اجتماعی والدین، و تقویت تاب‌آوری فردی و خانوادگی را فعال می‌کنند. این سازوکارها در مجموع احتمال بروز رفتارهای پرخطر، افت تحصیلی، خشونت، اعتیاد و سایر آسیب‌ها را در دانش‌آموزان کاهش می‌دهند. خلاصه‌ای ادبیات، نبود نگاه تلفیقی «طراحی-مدیریت فضا-نقش پیشگیرانه خانواده» است. مطالعات داخلی و خارجی، اهمیت مشارکت خانواده در مدرسه و اثر آن بر کاهش آسیب‌ها را تأیید کرده‌اند، اما غالباً فضا را تنها یک زمینه ضمنی دیده‌اند، نه یک متغیر فعال و قابل مداخله. این پژوهش با معرفی الگویی که در آن عناصر طراحی فضا و شیوه مدیریت آن به‌صورت یکپارچه در کنار سازوکارهای روانی-اجتماعی و پیامدهای پیشگیرانه قرار می‌گیرند، تلاشی در جهت پر کردن این خلأ مفهومی انجام می‌دهد. برای حوزه نوسازی مدارس، گذار از نگاه صرفاً مهندسی به نگاه تربیتی-اجتماعی ضروری است. نوسازی فضاهای آموزشی اگر به‌عنوان یک سیاست پیشگیری اجتماعی دیده شود، باید شاخص‌هایی مانند ظرفیت تولید سرمایه اجتماعی، امکان آموزش و توانمندسازی والدین، قابلیت شبکه‌سازی بین خانواده‌ها، و حمایت از تاب‌آوری دانش‌آموز و خانواده را هم‌سنگ شاخص‌های فنی، ایمنی و زیبایی‌شناختی لحاظ کند. طراحی و مدیریت هدفمند فضاهای مدرسه‌محور، می‌تواند مدرسه را از نهادی صرفاً آموزشی به «زیرساختی اجتماعی برای پیشگیری از آسیب‌های دانش‌آموزان» ارتقا دهد، زیرساختی که در آن خانواده نه فقط مخاطب، بلکه شریک راهبردی مدرسه در تربیت و پیشگیری است.

## پیشنهادهات

### ۱. بازنگری در ضوابط نوسازی و طراحی مدارس با رویکرد خانواده‌محور

پیشنهاد می‌شود سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس، در بازنگری یا تدوین دستورالعمل‌های طراحی، بندهای مشخصی را برای پیش‌بینی «مرکز خانواده» یا فضاهای چندمنظوره تربیتی-مشاوره‌ای، طراحی فضاهای غیررسمی تعامل والدین (حیاط‌های یادگیری، فضاهای نشستن و گفت‌وگو)، ورودی‌ها و عرصه‌های دعوت‌کننده برای حضور خانواده به‌عنوان الزامات یا حداقل توصیه‌های جدی بگنجاند، به‌گونه‌ای که هر طرح نوسازی، به‌طور پیش‌فرض ظرفیت میزبانی از برنامه‌های خانواده‌محور و پیشگیرانه را داشته باشد.

### ۲. تدوین راهنمای مدیریتی «استفاده تربیتی-اجتماعی از فضاهای مدرسه» برای مدیران

پیشنهاد می‌شود هم‌زمان با اصلاح ضوابط کالبدی، یک راهنمای کاربردی برای مدیران مدارس، معاونان پرورشی و مشاوران تدوین شود که در آن الگوهای تقویم سالانه برنامه‌های ویژه والدین، شیوه‌های سازمان‌دهی کارگاه‌های فرزندپروری و گروه‌های همیار والدین، و نمونه‌های موفق استفاده از فضاهای مدرسه برای پیشگیری از آسیب‌هابه زبان ساده و قابل اجرا ارائه گردد. این راهنما باید نشان دهد چگونه طراحی جدید فضا می‌تواند به‌طور عملی به برنامه‌های پیشگیرانه مدرسه‌محور خانواده‌ساز تبدیل شود.

### ۳. اجرای طرح های پایلوت «مدرسه خانواده محور» در فرایند نوسازی

پیشنهاد می شود در هر استان، چند مدرسه در فرایند نوسازی یا ساخت جدید به عنوان پایلوت مدرسه خانواده محور انتخاب شوند و در آنها اصول طراحی خانواده محور (طبق پیشنهاد ۱)، همراه با مدیریت مشارکت محور فضا (طبق پیشنهاد ۲)، به صورت هم زمان اجرا شود. سپس با همکاری دانشگاه ها و پژوهشگاه ها، اثر این مداخلات فضایی-مدیریتی بر شاخص هایی مانند حضور والدین، ارتقای سواد تربیتی، کاهش مشکلات انضباطی و نشانه های آسیب اجتماعی دانش آموزان ارزیابی شود تا مبنای تعمیم ملی قرار گیرد.

### ۴. گنجاندن «ابعاد فضایی و مدرسه محور پیشگیری» در آموزش های ضمن خدمت و برنامه های درسی

پیشنهاد می شود در دوره های ضمن خدمت مدیران، معاونان و معلمان، و نیز در سرفصل های رشته های مرتبط (مدیریت آموزشی، مشاوره، برنامه ریزی درسی، معماری و نوسازی آموزشی)، مباحثی مانند نقش طراحی و مدیریت فضا در تقویت سرمایه اجتماعی، تاب آوری و پیشگیری از آسیب های دانش آموزان به صورت نظام مند گنجانده شود. این کار کمک می کند نگاه «فضا به مثابه زیرساخت اجتماعی پیشگیری» در بدنه کارشناسی و مدیریتی آموزش و پرورش نهادینه گردد.

## منابع و مآخذ

### الف: منابع فارسی

- برون فن برنر، یوری. (۱۳۹۷). بوم‌شناسی رشد انسان. ترجمه حمزه گنجی. تهران: ساوالان.
- بندورا، آلبرت. (۱۳۹۲). نظریه یادگیری اجتماعی. ترجمه یوسف کریمی. تهران: ارسباران.
- پاتنام، رابرت. (۱۳۹۶). سرمایه اجتماعی و عملکرد دموکراسی. ترجمه افشین خاکباز. تهران: نشر نی.
- کلانتری، سلیمان و همکاران. (۱۳۹۸). «بررسی رابطه مشارکت والدین در امور مدرسه با پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان». فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۸(۳)، ۱۴۵-۱۶۸.
- احمدی، سیداحمد. (۱۳۹۵). «تحلیل نقش خانواده در پیشگیری از رفتارهای پرخطر نوجوانان». مجله مطالعات خانواده، ۱۱(۲)، ۲۳-۴۴.
- شریفی‌درآمدی، پرویز. (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی اجتماعی با تأکید بر محیط‌های آموزشی. تهران: سمت.
- قاسمی، محمد و حسینی، زهرا. (۱۴۰۰). «سرمایه اجتماعی مدرسه و کاهش رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان». فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ۱۲(۱)، ۷۷-۱۰۲.
- نیک‌گهر، عباس. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران. تهران: آگاه.

- ناظمی، علی و همکاران. (۱۳۹۹). «بررسی تأثیر طراحی فضاهای آموزشی بر تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان». مجله هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۲۴(۴)، ۸۹-۱۰۴.
- وزارت آموزش و پرورش. (۱۳۹۸). *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*. تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
- سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور. (۱۴۰۱). *ضوابط و معیارهای طراحی فضاهای آموزشی*. تهران: سازمان نوسازی مدارس.
- حسینی، سیدمحمد و اکبری، لیلا. (۱۳۹۷). «مدیریت مدرسه و ارتقای مشارکت خانواده در فرآیند تربیت». *فصلنامه مدیریت آموزشی*، ۹(۲)، ۷۸-۵۵.

## ب: منابع لاتین

- Bronfenbrenner, U. (۱۹۷۹). *The Ecology of Human Development: Experiments by Nature and Design*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Bandura, A. (۱۹۷۷). *Social Learning Theory*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Putnam, R. D. (۲۰۰۰). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. New York: Simon & Schuster.
- Epstein, J. L. (۲۰۱۱). *School, Family, and Community Partnerships: Preparing Educators and Improving Schools*. Boulder, CO: Westview Press.